

● ملیحه جهانبخش / برای دقایقی نیاز به خلوت و استراحت و شاید خوردن یک فنجان قهوه به یکی از کافی شاپ ها جایی در گوشه و کنار همین شهر می روم. بیش از آنکه بوی قهوه به مشام برسد، تلخی بوی سیگار در ورودی، چند لحظه ای متوقف می کند. میزهای کوچک و بزرگ از دورهمی های دوستانه تا قرارهای دوفره کافه را پر کرده است. انگار که یک تکه ابر خاکستری از یک میز به سمت میز دیگر کوچ کند. با هر یک سیگار حجمی از دود از یک میز به میز دیگر جابه جایی می شود... در یک گروه چهار پنج نفره بعضی هایشان سیگار می کشند و برخی هم سیگاری در دستشان نیست. اما به نظر می رسد هر کسی در اینجا برای دقایقی بنشیند، بی نصیب از بوی سیگار و دود نخواهد بود. قهوه را بی خیال می شوم و بیرون می زنم.



شاید اگر چند سال قبل دختر جوانی را می دیدیم که سیگار می کشد با تعجب نگاهش می کردیم. آن زمان قبح سیگار کشیدن در ملاعام به ویژه برای خانم ها نرخته بود. از یک سوسختگیری و نظارت خانواده. از سوی دیگر بافت سنتی و عرف جامعه و از نگاه دیگر فراگیر نبودن و دم دستی نبودن سیگار شاید از عواملی بود که دختران کمتر سیگار می کشیدند. اما امروزه فرقی نمی کند کافی شاپ بروید یا دقایقی در یک پارک قدم بزنید، به یک مهمانی دورهمی دوستانه دعوت شوید یا در زمان فراغت بین کلاس های دانشگاه سری به کوچه های پشتی بزنید، در خیابان پشت چراغ قرمز، در پیاده روی یک خانه یا در تراس، زنان جوانی را ممکن است ببینید که سیگار می کشند. رسانه ها هم دیگر سختگیری های گذشته را گویی از یاد برده و محدوده خط قرمزها را آن قدر باز کرده اند که در فیلم های سینمایی و سریال های نمایش خانگی به وضوح و بدون هیچ گونه سانسوری می توانید زنان لا کچری و حتی موفق را ببینید که سیگار می کشند. اما اگر سری به آمارها بزنیم این معضل اجتماعی آن قدرها هم عادی نیست. سال گذشته مطابق آمار مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سالانه حدود ۶۰ هزار نفر بر اثر مصرف دخانیات در کشور از دنیا می روند. ۱۴ درصد افراد بیشتر از هجده سال جامعه ایرانی دخانیات مصرف می کنند که حدود ۲۶ درصد مردان و ۴۵ درصد زنان هستند. این مصرف از سال ۱۳۹۵، بارش حدود ۲۵ درصدی در مردان و ۱۱ درصدی در زنان بیشتر از هجده سال روبرو بوده است. حال بایک چرایی روبرو هستیم، چرا دختران جوان به سیگار رو آورده اند و روز به روز بر آمار آن ها اضافه می شود؟

چرا دختران جوان سیگاری می شوند؟

زندگی در حلقه خاکستری

رفاقت های
خاکستری!

ژست های
خاکستری!


سیمرا کارمند یک سازمان دولتی است.

به قول خودش سال هاست که سیگاری بودنش را

مخفی کرده! حتی از خانواده اش... می پرسم مگر می شود

از بوی لباس، یا بوی دهان و... متوجه سیگاری شدنش نشده

باشند؟ می گوید: توی خانه سیگار نمی کشم. معمولاً در مسیر

رفت و آمد داخل خودرو و شخصی ام یا در مهمانی های خودمانی با

دوستانم، خیلی برای خانواده ام پذیرفته نیست. می پرسم حالا چطور

شد که به سیگار علاقه مند شدی؟ می گوید: حس خوبی پیدا می کنم.

حس قدرت. اینکه می توانم شبیه مردها پشت فرمان ماشین سیگار

بکشم. چه کسی گفته مازن ها نباید سیگار بکشیم؟ چه فرقی

می کند؟ زن و مرد ندارد. می پرسم یک جورهایی از ژست سیگار

هم خوشتر می آید؟ می خندد و می گوید: این هم هست.

در کل خیلی سیگار نمی کشم شاید روزی یک یا دو نخ!